

## راه حل دوم:

مرحوم نائینی برای حل مشکله مطرح شده در اسم زمان می نویسد:

«و لكن يمكن ان يقال: ان المقتل عبارة عن الزمان الذي وقع فيه القتل، و هو اليوم العاشر من المحرم، و اليوم العاشر لم يوضع بإزاء خصوص ذلك اليوم المنحوس الذي وقع فيه القتل، بل وضع لمعنى كلّي متكرّر في كلّ سنة، و كان ذلك اليوم الذي وقع فيه القتل فرداً من افراد ذلك المعنى العامّ المتجدّد في كلّ سنة، فالذات في اسم الزمان أنّما هو ذلك المعنى العامّ، و هو باق حسب بقاء الحركة الفلكية، و قد انقضی عنه المبدأ الذي هو عبارة عن القتل، فلا فرق بين الضارب و بين المقتل، إذ كما أنّ الذات في مثل الضارب باقية و قد انقضی عنها الضرب، فكذا الذات في مثل المقتل الذي هو عبارة عن اليوم العاشر من المحرم باقية لتجدّد ذلك اليوم في كلّ سنة و قد انقضی عنها القتل، نعم لو كان الزمان في اسم الزمان موضوعاً لخصوص تلك القطعة الخاصة من الحركة الفلكية التي وقع فيها القتل، لكانت الذات فيه متصرّمة، كتصرّم نفس المبدأ، إلاّ أنّه لا موجب للحاظ الزمان كذلك.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. مقتل عبارت است از زمانی که قتل در آن واقع می شود. این زمان روز دهم محرم است [پس عبارت است از زمان (ذات) + مبدء (قتل)]
  ۲. اما مقتل برای روز دهم سال ۶۱ هجری قمری وضع نشده است. بلکه برای روز دهم محرم هر سال وضع شده است. [پس مقتل = روز دهم محرم + مبدء و روشن است که هر سال این روز دهم محرم تکرار می شود]
  ۳. پس ذات اگر چه منصرم است ولی تکرار می شود.
- حضرت امام بر محقق نائینی اشکال کرده اند:

«و هو لا يخلو من غرابة لأنّ اسم الزمان موضوع لكلّ زمان يكون وعاء الحدث، لا لكلّ زمان مطلقاً، و معلوم أنّ وعاءه هو الزمان الخارجي، و هو غير باق، و الموجود في عام آخر مصداق لعنوان آخر مثل عاشر المحرم، و هو موجود آخر و لو اعتباراً، فالكلّي القابل للصدق على الكثيرين ليس وعاءً للحدث، و ما هو وعاءه هو الموجود الخارجي، و هو غير باق.»<sup>۲</sup>

توضیح :

۱. از آنجا که اسم زمان وضع شده است برای زمانی که ظرف مبدء است و نه برای هر زمانی [یعنی مقتل وضع شده برای دهم محرم سال ۶۱ و نه هر دهم محرم]

۱. فوائد الأصول للنائینی، ج ۱، صفحه ۹۰

۲. مناهج الوصول، ج ۱، صفحه ۱۹۸



۲. ظرف حصول مبدء (مقتل) یک زمان واحد است و تکرار نمی شود. و آنچه تکرار می شود، دهم محرم است (و نه مقتل) پس دهم محرم ۶۱ با دهم محرم امسال، وجوداً با هم تفاوت دارند. اگرچه هر دو مصداق دهم محرم هستند ولی تنها اولی مصداق مقتل است.

۳. «و هو موجود آخر و لو اعتباراً» یعنی دهم محرم امسال، موجودی دیگر (غیر از دهم محرم سال ۶۱) است اما باید توجه داشت که زمان یک موجود واحد است و لذا اگر می گوییم «موجودی دیگر»، با توجه به اعتبارات بشر است. [حضرت امام این نکته را در حاشیه اشاره کرده اند:

«و إنما قلنا: «اعتباراً» لأنّ الزمان هویة متصلة إلى الأبد، و تقسیماته إلى الأيام و الشهور اعتباریة حسب

احتیاج البشر. منه عُفی عنه.»<sup>۱</sup>

۴. پس آنچه کلی است و تکرار می شود «یوم العاشر من المحرم» است ولی این اسم زمان نیست و آنچه اسم زمان است، ظرف موجود خارجی منصرف (مقتل = زمان دهم محرم ۶۱ + مبدء) است و قابل تکرار نیست. ما می گوییم:

(۱) تمام اختلاف مرحوم نائینی و حضرت امام در این است که:

مرحوم نائینی می فرماید موضوع له اسم زمان (مقتل، عاشورا) «دهم محرم + مبدء» است و لذا می فرماید دهم محرم تکرار می شود. در حالیکه حضرت امام می فرماید موضوع له اسم زمان (مقتل، عاشورا) «دهم محرم ۶۱ (ذات زمان) + مبدء» است. و دهم محرم ۶۱ قابل تکرار نیست.

